



فاطمه (س) در مورد شخصیت خود از رسول خدا (ص) سندها داشت. جمله‌ی معروف «فاطمه بضعة منی» بر سر زبان‌ها بود و یا عبات پیامبر (ص): «هر که فاطمه (س) را اذیت کند مرا اذیت کرده» را همگان شنیده بودند. بدین سان بسیار شگفت‌آور بود که با وجود آن همه سخنان احترام‌آمیز رسول خدا (ص) نسبت به او به فاطمه (س) اهانت کنند و یا او را تحقیر نمایند.

ابوبکر پس از خطبه فاطمه (س) در مسجد به بالای منبر رفت و سخنان رکیکی درباره او گفت. پناه بر خدا از تکرار آن کلمات! او را نعوذ بالله به روباه پیری تشبیه کرد که شاهد او دم او می‌باشد. و هم گفت فاطمه (س) برای اثبات حقانیت خود به ضعیفه‌ها متمسک شده و از زنان یاری می‌طلبد.

ام سلمه به دفاع برخاست و معترضانه گفت: «آیا درباره فردی چون فاطمه (س) این سخنان رواست؟ او که روز تولدش، فرشتگان او را در بر گرفتند در خور این سخنان است؟ آیا رسول خدا (ص) فاطمه (س) را از میراث محروم کرده و به او خبر نداده؟ وای بر شما زود است بر خدا وارد شوید و ثمره تلخ کردار خود را بچشید.» (و بر اثر این سخنان ابوبکر مقرری ام سلمه را قطع کرد).

البته ابوبکر بعدها از کار و تلاش خود علیه فاطمه (س) پشیمان بود و در دم مرگ گفته بود من سه کار را انجام داده‌ام که ای کاش انجام نمی‌دادم: «ای کاش وارد خانه فاطمه (س) نمی‌شدم اگر چه علیه من به جنگ می‌ایستادند...»

حزن و اندوه

فاطمه (س) برای زدودن این آثار و اقدام تلاش‌ها کرد ولی به ثمر نرسید. از وجود و جان خود و خانواده‌اش مایه گذارد ولی در آن موفق نشد. او در واقع اسیر انتقام‌جویی خصم در شمشیر برافراختن علی (ع) علیه مشرکین بود. آن روز که علی (ع) برای احیای دین همه همت خود را مصروف می‌کرد کینه‌هایی در دل مشرکان شکل می‌گرفت و امروز همان کینه‌ها بصورت موضعگیری‌ها و بی‌تفاوتی‌ها درآمد.

فاطمه (س) پس از همه فریادها از میدان به در نرفت مقاومت صبورانه‌ای در پیش گرفت و در آن راه ایستاد. خود فرمود: «صبر می‌کنم همانند صبر کسی که در قلب خود تیری و در درونش نیزه سنگینی را احساس می‌کند.» (نصیر منکم علی مثل حز المدی، و خزالسنان فی الحشاء) و الحق چه صبر جانکاهی بود.

او از اینکه اسلام را غریب و بی‌یاور می‌دید دیدگان گریان و قلبش سوخته بود. جهان را در برابر خود تاریک می‌یافت و دیگر کسی او را خندان ندید تا به دیدار پدر در جهان باقی شتافت.

پیش‌بینی پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) مظلومیت فاطمه (س) را پیش‌بینی کرده و رهنمودهای خود را از پیش به او داده بود. براساس آن چه که صاحب کشف الغمه می‌نویسد: پیامبر روزی به فاطمه (س) فرمود: «دخترم، تو پس از من مورد ستم قرار خواهی گرفت و مورد استضعاف واقع خواهی شد. آنکس که ترا اذیت کند مرا آزار داده، و آنکس که تو را به خشم آورد مرا به خشم آورده، کسی که به تو جفا کند به من جفا کرده، هر کس از تو ببرد از من بریده، آن کس که به تو ستم کند به من ستم روا داشته، آن کس که تو را شادان کند مرا مسرور کرده، آن کس که به تو پیوند مهر داشته باشد به من پیوند دارد، زیرا تو از منی و پاره تن منی، و جان من و روح منی، از ستمکاران امتم بر تو به خدا شکوه می‌کنم.»

براساس سند دیگری، رسول خدا(ص) در حین مرگ گریست، و در پاسخ علت گریه‌اش فرمود: «بدان خاطر است که از اشرار امتم به آنها ستم می‌رسد. گوئی می‌بینم که دخترم فاطمه(س) پس از من اسیر ظلم و ستم می‌شود و فریاد پناه خواهی می‌زند و کسی از امتم او را کمک نکند. و هم در سخن دیگری خطاب به فاطمه(س) فرمود قسم به آن کس که مرا بحق مبعوث کرده عرش خدا از گریه‌اش می‌گرید و هم آنچه از فرشتگان آسمانها و زمین و ما بین آن دواند از گریه‌اش بگریه می‌آیند.

مظلومیت او از زبان علی (ع)

علی(ع) در حین دفن فاطمه(س) طی جمله‌هائی کوتاه در حالی که می‌گریست چنین فرمود: «خداوندا از دختر پیامبر تو راضیم، دشمن، او را به تنهائی و وحشت انداخت تو او را انس بده، مردم از او بریدند تو او را پیوند ده، به او ستم کردند تو ای احکم الحاکمین درباره او داوری کن.

و در حین دفن خطاب به رسول خدا(ص) چنین گفت: ای رسول خدا(ص) فاطمه(س) به تو خبر خواهد داد که امت چگونه برای از بین بردن او هم دست شدند تو از او پیرس و خبر بگیر. ای رسول خدا(ص) دخترت را از بیم دشمن نیمه شب به خاک سپردم، حق او را بردند، میراث او را گرفتند. از دشمنی خصم به خدا شکایت می‌برم و به تو در مرگ و عزای دخترت سر سلامت باد می‌گویم.

مظلومیت او از زبان فضه و دیگران

فضه در خانه فاطمه(س) بود و به اسرار او واقف، در خانه کعبه سرگرم مناجات بود و زمزمه‌ها داشت فردی که به مناجاتش توجه داشت علاقمند به او شد و گفت معلوم است از دوستداران خاندان پیامبری. فضه از شنیدن این سخن گریست و عقده‌اش باز شد و گفت: «ای بنده خدا اندوه و غصه‌ای که در دل داشتم به جوش آوردی سؤال خود را پیرس.»

آن شخص از مظلومیت فاطمه(س) پرسید و صدای گریه فضه را بلند کرد. آنگاه فضه گفت: «تو مایلی از مظلومیت فاطمه(س) برای تو حرف بزنم و من مضایقه نخواهم کرد» و شروع کرد به بیان حالات و صدمات و ستم دیدگی‌های فاطمه(س) که شرح آن را بیش یا کم شنیده‌ایم.

از زبان ام سلمه هم نمونه‌هائی از این‌گونه سخنان داریم. روزی شخصی بر او وارد شد و گفت حالت چگونه است و شب را چگونه به صبح رسانیدی؟ فرمود شب را در حالی به صبح رساندم که از فقدان پیامبر و ظلمی که بر جانشین او رفت رنجور بودم. در اینجا چهره مظلومیت فاطمه(س) در رابطه با علی(ع) مطرح شده و این نکته را بیفزائیم که فاطمه(س) از بزرگترین مدافعان علی(ع) بود و بخشی از ستم‌دیدگی او در این رابطه بود که دفاعش درباره علی(ع) به ثمر نرسیده بود براساس سندی که در دست است فاطمه(س) در دم مرگ می‌گریست و علی(ع) علت گریه‌اش را پرسید. فاطمه(س) گفت برای گرفتاری‌های آینده تو می‌گریم و علی(ع) دلداریش داد که گریه مکن، که آن امور برای من مهم نیستند.

و این است معنی کفویت و همسری و همدمی مرد و زن که فاطمه(س) و علی(ع) نمونه آن بودند.

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد

يا فاطمة يا فاطمة

فاطمه